نزد سنت کر کوید نداذان
میکند از امام اعظم نقل
کر شود اشتغال ان نی
هم ز استماع خطبه میماند
داد ترغیب الصلوة خیر
بر مناره میکنند ندا
کفت این قول را ای جیند ولیک
معتبر اول اذان را این
امر ما ترک بیع باشد او
یعنی در معنی و رتبه اتی
چون ز حرا خود اشتغال شود
میشود تا فراغ خطبه امام
سخن شافعیت با شبهت
نیست مکروه کفتن تسبیح
با قراءت بکر و کفت داود
هم در اینجا سکوت افضل ان
از خلاصه غیر اینها باز
احتیاط تکی ای برادر من
اینکه یا زد تکلم اندکی
لفظ کفته است در دم خطبه
کفت در نفس خود جواب سلام

کرد حجاج محدثین را آن
منع بیع و هم سعی باین
با اذان اخر که میدانی
هم ز جامع بود نیز اکر
بو حنیفه امام بزرکتر
نیز در این کتاب علم بحر شرعیت
بنوشته صحیح عبد جمیل
هم ز کنز العباد را این باب
واینچه در معنی و رتبه امراد
صاحب مختصر کند تلقین
کشت امام از برای خطبه جو
بو المکارم که کرد اینجا یاد
میکند از دو بحث بیست
لیک از مضمرات کردیان
یا کتابت کند نام فرمود
کرده بودیم قبل از این اعلام
دیکر کردست تا ادای نماز
هم ز کنز العباد کرد خبر
لوشته هم قدر مشکل
نیز در این کتاب کرده اعلام
عید هر کر بخطبه است امام

جستن این زیاده صاحب عقل
معتبر در اذان اول دان
سنت جواز نکی خواند
خوف از فوت جمعه است اکر
معتبر کرد اذان اول را
از ذخیره بود الصحیح نوشت
هم نوشته صحیح شمس الدین
میکند نقل از چند کتاب
با زوار دز جمعه که هر کار
نیز بنوشت شارح الطحاوی
خواه باشد نماز خواه کلام
کاندر اینجا تقویت مراد
از کفایه بنوشته است صحیح
کرده است تسبیح کفت مکروه دان
نشود خطبه را اکر از بیع
میشود تا ادای خطبه امام
شارح النقول الکفوی صالح
بوده باشد خطیب بر منبر
یعنی چونه بکفت او با صحب
مرد با مردی که بدو اسلام
بکذارد او بجهر ادا

ايخنين

اینچنین عاطس بحمد خدا
کفت تشمیت عاطس و سلام
یعنی صلوا علیه کفت اکر
اصح قول آنکه شد مثبوت
باشد اندر کتاب کافی
ز اول خطبه تا با خر آن
میکند از مشایخ ما عرض
در لغات صحاح جوی آورد
امر معروف و نهی منکر هم
بود و باک در صحیح سخن
کفت بین یدیه اذان اکر
بو المکارم که شارح است
قوم با او کنند روز خوش
مستحب بوده است یعنی
روی بر سوی قبله کرد الان
نیز کرده است بو المکارم یاد
هم شهادت و فیهما فرمود
هم ثنا و دعا و وعظ در دو
قدر جلسه چکونه باشد او
قول بعضی بزرک شرع شناس
قدر آیت خداوندان

ذکر کرد از فتاوی حجت
کفت مکروه بو حنیفه امام
صاحب مختصر معانی سبق
میکنند خلق استماع و سکوت
نیز اندر کتاب قاضیخان
یعنی ساکت شوند مستمعان
چونکه بعد از اذان سلطان
وقت خطبه چنین نباید کرد
لیک کس دید چیز از منکر
لیک منع است باز با کفتن
رو با و میکنند مستمعان
کفت اندر خلاصه نقش است
در همین است یا نحیب میبند
لیک بنوشته است شمس الدین
یعنی از اتحاف شبلی
نیز در خطبتین سنت باد
هم نوشته است شارح زاد
آیتی هم و فیهما فرمود
شارح مختصر بکفت ای ماه
یا کند موضع جلوس مسافتی
ظاهر میکند چو خطبه ادا

یعنی در وقت خطبه با شبهت
روز جمعه امام بر منبر
کفت تسر او رو دیا بکفت
کتب الخ اصح کنند کو جای
بزبان صحیح کرد بیان
چونکه هست استماع خطبه فرض
هست ممکن و درود بر کفتن
کر چه هست این سخن با بن آدم
کردات است یست چشم اکر
چون شنید امام بر منبر
پیش مختصر علی العینی
بوده باشد اکر خطیب دو شل
بعد از اتحاف شنیند
از امام حسن باک دوان
روی بر سوی قبله است حسن
جهر و رهر دو خطبه است داود
نیز دو ما خطبتین سنت باد
جلسه و در میانه آیند و
کل عضو خویش بر کرد استقرار
نیز و بعضی ز جا بجای
قایما باد آخذ البعض

Copyright © King Saud University